

راهنمای عملی پژوهش‌روایی در علوم اجتماعی

احسان آفتاب‌آبادی

ویرایش: الهام شوشتری‌زاده
صفحه‌آرایی: حمیدرضا کیانی
برآورد جلد: حمید قدوسی
چاپ: کتاب‌صحافی: نمونه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۳-۱۰۰-۱
چاپ اول: ۱۴۰۳، ۱۰۰ نسخه



اطراف

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای نشر اطراف محفوظ است.
هرگونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شکل و شیوه
(چاپی، کپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.
تهران، خیابان میرداماد، خیابان مصدق جنوبی، کوچه تابان، پلاک ۱۱، واحد ۱

تلفن: ۲۲۹،۲۹۷۵

Atraf.ir

@atrapublication

۲۴۱۵۱۱۷

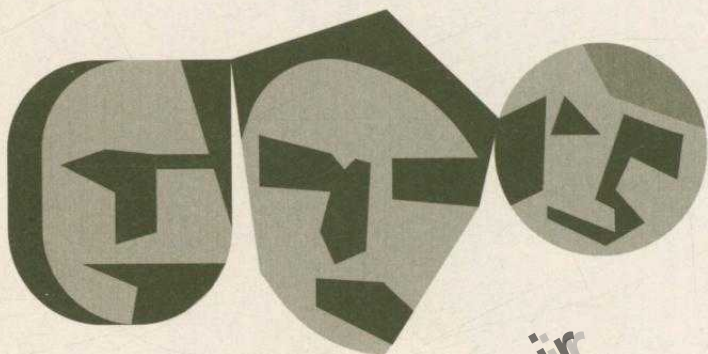
www.ketab.ir

آقابابایی، احسان، ۱۳۶۰.	سرشناسه
راهنمای عملی پژوهش‌روایی در علوم اجتماعی / احسان آقابابایی.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: نشر اطراف، ۱۴۰۳.	مشخصات نشر
۲۹۶ ص.	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۲۲-۶۱۹۴-۷۵-۴	شابک
فیبا	وضعیت فهرست‌نویسی
علوم اجتماعی -- تحقیق -- روش‌شناسی	یادداشت
Social sciences -- Research -- Methodology	موضوع
HP۲	رده‌بندی کنگره
۳۰۰/۷۲	رده‌بندی دیویی
۹۶۰۹۶۳۰	شماره کتابشناسی ملی

- ۱۳ ▶ پیشگفتار
- ۲۱ ▶ روایت؛ از تعریف تا کاربرد
- ۴۵ ▶ تحلیل روایی به مثابه روش تحقیق کیفی
- ۶۹ ▶ روایت و پارادایم
- ۸۷ ▶ شروع عملی پژوهش روایی
- ۱۱۳ ▶ چهارچوب روشی
- ۱۴۵ ▶ جامعه مورد مطالعه

www.ketab.ir





www.ketab.ir

- ۱۶۳ ▲ تکنیک‌های جمع‌آوری داده
- ۲۵۳ ▼ مشروعیت بخشی
- ۲۲۳ ▼ تحلیل داده‌های روایی (۱)
- ۲۴۷ ▶ تحلیل داده‌های روایی (۲)
- ۲۶۹ ▲ گزارش نویسی، تعمیم و نقد پژوهش روایی
- ۲۹۰ ▼ فهرست اسامی تخصصی
- ۲۹۳ ▶ فهرست اصطلاحات تخصصی

سخن ناشر

فرقی نمی‌کند در چه رشته‌ای فعالیت کنید؛ پزشکی، جامعه‌شناسی، سیاست، مهندسی یا چیزی دیگر. این روزها کمابیش در همه حوزه‌ها با پژوهش‌هایی مواجه می‌شویم که برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها یا بیان نتایج‌شان از روایت استفاده کرده‌اند. ما با گوش سپردن به قصه‌های آدم‌ها درباره موقعیت‌ها و وضعیت‌های خاصی که در آن قرار گرفته‌اند، با خواندن روایت‌هایشان از ماجراهایی که از سرگذرانده‌اند، و با شنیدن شخصی‌ترین خاطرات‌شان وجهی از تجربه‌هایشان را درک می‌کنیم که به شیوه‌های دیگر، راهی به آن نداریم. درک همدلانه آدم‌ها با فهم و بیان روایی است که ممکن می‌شود؛ درکی که مثل خود زندگی پُر از فراز و فرود دراماتیک، پیچیدگی‌های عاطفی و تعارض‌های حل‌نشده‌ی است. شاید به همین دلیل است که بسیاری از اندیشمندان علوم انسانی در سطوح مختلف از مبانی، شیوه‌ها و چالش‌های پژوهش‌های روایی سخن می‌گویند. اما روایت چون تیغی دولبه است که هم می‌تواند در خدمت ایدئولوژیک‌ترین گفتمان‌های غالب و نظام‌های سلطه قرار گیرد و هم می‌تواند صدای اقل و گروه‌های اجتماعی به حاشیه‌رانده شده را به گوش دیگران برساند. در حوزه پژوهش، فهم و بیان روایی وقتی بهترین نتایج را به بار می‌آورد که پژوهشگر درکی عمیق

و منسجم از آن داشته باشد و مبانی نظری، مفاهیم بنیادین، ضوابط پژوهشی، پارادایم‌ها، شیوه‌های تحلیل، قواعد تعمیم یافته‌ها، و ملاک‌های اعتبارسنجی پژوهش‌روایی را به خوبی بشناسد. این آداب عملیاتی و کاربردی به محققان حوزه‌های مختلف علوم انسانی کمک می‌کنند به بهترین شکل از پژوهش‌روایی کمک بگیرند و به ورطه مخاطراتی همچون ایدئولوژی زدگی، سانتیمانالیسم پژوهشی، سوگیری‌های شناختی یا نادیده‌گیری اسناد و شواهد نیز نیفتند.

نشر اطراف که پیش از این با کتاب‌هایی چون سواد روایت و ادبیات من به بحث‌های نظری روایت پرداخته است، قصد دارد در کتاب‌هایی دیگر سراغ آداب استفاده از روایت در پژوهش‌های کاربردی حوزه‌های مختلف علوم انسانی برود. کتاب راهنمای عملی پژوهش‌روایی در علوم اجتماعی با هدف کمک به دانشجویان پژوهشگران علوم اجتماعی در استفاده دقیق و روشمند از رویکردهای روایی در پژوهش‌هایشان نوشته شده است. کتاب دیگر اطراف که مشخصاً با پژوهش‌روایی سروکار دارد کتاب پژوهش‌روایی در علوم تربیتی، نوشته جین کلندینین، است که علاوه بر توضیح روش‌شناسی پژوهش‌روایی، چند نمونه موردی را با جزئیات توضیح می‌دهد و تحلیل می‌کند. هدف این کتاب‌ها کمتر کردن فاصله مباحث نظری حوزه روایت‌شناسی با پژوهش‌های کاربردی رشته‌های مختلف است و می‌کوشند پژوهشگران و دانشجویان را با قواعد و ملاحظات مربوط به بهره‌گیری از روایت در عرصه پژوهش آشنا کنند.

احسان آقابابایی، نویسنده این کتاب، دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه اصفهان و از استادان پرکار رشته جامعه‌شناسی این دانشگاه است. او که تألیف کتاب‌هایی همچون جامعه‌شناسی فیلم، جامعه‌شناسی احساسات، و فیلم و جامعه ایرانی را در کارنامه‌اش دارد، در کتاب پیش رو، با ذکر مصداق‌ها و مثال‌های بومی و غیربومی، بیانی صریح و گاه طنزآمیز، و بهره‌گیری از تجربه‌های عملی‌اش در حوزه تدریس و پژوهش، راهنمایی کاربردی در اختیار دانشجویان

علوم اجتماعی قرار داده است تا میان کتاب‌های مختلف پژوهش‌روایی، نمونه‌ای تألیفی و نزدیک‌تر به پژوهش‌ها و موضوعات مطرح در دانشگاه‌های خود هم داشته باشند. خواندن این کتاب می‌تواند برای محققان رشته‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، مطالعات فرهنگی، مددکاری و در کل حوزه گسترده علوم اجتماعی مفید باشد و به کار کسانی بیاید که می‌خواهند با پژوهش‌روایی بیشتر آشنا شوند و در پژوهش‌هایشان از آن استفاده کنند.

پیش‌گفتار

به نظر می‌رسد که از اوایل دهه ۱۳۸۰ شمسی چرخشی کیفی در جامعه‌شناسی ایران رخ داد. تا پیش از آن بسیاری از پژوهش‌ها در سنت اثبات‌گرایی^۱ و اندکی در سنت انتقادی و تفسیری صورت می‌گرفت و توجه چندانی به پژوهش کیفی نمی‌شد اما به مرور، تحت تأثیر شرایط سیاسی و فرهنگی آکادمیک، گفتمان^۲ مسلط جامعه‌شناسی انعطاف‌نشان داد و پژوهش کیفی در ایران هم جایی برای خود باز کرد.

در شرایطی که جامعه به سوی نسبی‌گرایی فرهنگی حرکت می‌کرد و زمینه اجتماعی لازم برای انجام پژوهش‌های بافتمند^۳ مهیا می‌شد، چند جریان مختلف تحقیق کیفی در میدان پژوهش ایران شکل گرفت، از جمله تحلیل‌گفتمان و نشانه‌شناسی که به مدد تلاش زبان‌شناسان اجتماعی قد علم کرد و علاقه جامعه‌شناسان را به تحلیل‌گفتمان برانگیخت. در دهه ۱۳۷۰ جامعه‌شناسان، تحت تأثیر نظریه مدرنیزاسیون، گمان می‌کردند مسیری تازه به سوی دموکراسی باز

-
1. Positivism
 2. Discourse
 3. Contextual

شده است. اما در میانه دهه ۱۳۸۰ رفته‌رفته روشن شد این مسیر تنها جاده ممکن نیست و ما برای تفسیر وضعیت اجتماعی به لنز نظری و روش جدیدی مثل تحلیل گفتمان نیاز داریم. در پی تغییرات سیاسی و اجتماعی این دوره بود که بمب تحلیل گفتمان فوکویی و تحلیل گفتمان لاکلو و موفه منفجر شد و بر بسیاری از پژوهش‌های کیفی تأثیر گذاشت. جریان دوم، یعنی نسخه سیستماتیک نظریه زمینه‌ای^۱ (روش اشتراوس و کوربین)، چون الگومند بود و به مدل‌های اثبات‌گرایانه شباهت داشت، به سرعت باب شد و مقاله‌های بسیاری با این روش تدوین شدند. گویا علاقه آکادمیک متوجه مدل‌های راحت‌الحلقومی بود که واقعیت اجتماعی را به آسانی در خود هضم می‌کردند و رویکرد نسخه سیستماتیک به قصد مطالعه شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر برای بسیاری از پژوهشگران و سوسه‌انگیز بود. جریان سوم مطالعه «تجربه» در زندگی اجتماعی بود که باعث تولد نسخه‌ای معیوب و ناپایدار^۲ با محوریت «تجربه زیسته» در پژوهش‌ها شد؛ نسخه‌ای که بیش از آن که به شکل این روش پایبند باشد، شبیه نوعی تحلیل مضمون بود. مردم‌نگاری^۳ (که در آغاز قوم‌نگاری^۴ نامیده می‌شد) هم جریان دیگری بود و به تأسی از سنت مردم‌شناسی در ایران به کار گرفته شد اما تنوع موضوعی مانع شکل‌گیری یک جریان مطالعاتی منسجم شد و در نتیجه، مردم‌نگاری اقبال چشمگیری نیافت. نمونه‌های پراکنده‌ای از پژوهش‌های تاریخی تطبیقی، تحلیل محتوای کیفی و تحلیل مضمون نیز شکل گرفتند. این جریان‌ها کماکان وجود دارند و در این میان، پژوهش‌روایی^۵ هنوز در ابتدای راه است. در حالی که دهه ۹۹۰ میلادی در تاریخ روش‌های پژوهش کیفی به دهه روایت معروف شده، پژوهش‌روایی هنوز در ایران به شأن سایر روش‌ها نرسیده و حتی درباره عنوان این روش اجماعی وجود ندارد.

1. Systematic grounded theory method (SY-GTM)

2. Phenomenology

3. Ethnography

4. Narrative Inquiry

برخی پژوهشگران سه عبارت «روایت پژوهی»^۱، «تحلیل روایی»^۲ و «پژوهش روایی» را مترادف می‌دانند. در هر صورت، روایت‌پژوهی با نقد ادبی پیوند دارد و در پی تحلیل روایت‌ها و ساختارهایشان است. نسخه تحقیقاتی روایت‌پژوهی را می‌توان «روایت‌کاوی»^۳ نیز نامید: استخراج و تحلیل روایت‌ها و قصه‌ها و داستان‌های^۴ افراد در حالت طبیعی از طریق ضبط صدا و تصویرشان. «تحلیل روایی» نوعی استنباط داستانی از متن‌های موجود است، مثلاً از افراد می‌خواهیم درباره موضوعی حرف بزنند و سپس از حرف‌هایشان قصه می‌سازیم. «پژوهش روایی» یا «روش تحقیق روایی»^۵ نوعی روش‌شناسی است که روایت افراد از تجربه، هویت و رخدادها^۶ را محور کار خود قرار می‌دهد تا از یک سو فهم روایی ذهن کنشگران را ممکن کند و از سوی دیگر وضعیت نظام اجتماعی را با تحلیل کلان‌روایت‌ها^۷ تفسیر کند. این روش‌شناسی گاهی از تکنیک‌های منحصربه‌فردی بهره می‌گیرد که از سایر روش‌شناسی‌ها^۸ کیفی متمایزش می‌کنند اما در مواردی هم با ورق‌های همان روش‌شناسی‌ها بازی می‌کنند. کتاب پیش‌رو درباره «پژوهش روایی» است و در یازده فصل تنظیم شده است.

1. Narratology

2. Narrative Analysis

3. Analysis of Narratives

۴. در روایت‌شناسی، قصه معادل Story است و داستان معادل Fiction. مهم‌ترین وجه تمایزشان هم این است که در داستان، عنصر خیال نقش مهمی دارد و به همین سبب، داستان نقطه مقابل ناداستان (Non-fiction) به شمار می‌رود، اما قصه روایت نظام‌مند توالی چند رخداد است و روایت‌های غیرداستانی مثل زندگی‌نامه و گزارش تاریخی و مانند این‌ها را هم در بر می‌گیرد. در علوم اجتماعی چنین تفکیک دقیقی در کار نیست و ممکن است روایت و داستان و قصه به یک معنا به کار روند. در این کتاب، در بخش‌هایی که با مفاهیم روایت‌شناختی سروکار داشته‌ایم، به تفکیک داستان و قصه پایبند بوده‌ایم اما در بخش‌های عملی‌تر مربوط به پژوهش روایی در علوم اجتماعی، ادبیات رایج پژوهشگران این حوزه را ملاک قرار داده‌ایم و بنابراین، عبارت‌هایی مثل «داستان زندگی» و «قصه زندگی» به یک معنا به کار رفته‌اند.

5. Narrative Research Method

6. Events

7. Grand narratives

در فصل اول معنای لغوی و مفهومی روایت را بررسی می‌کنیم و سپس عناصر اصلی روایت را با ذکر مثال‌هایی توضیح خواهیم داد؛ عناصری که در فصل‌های بعد جزئی از چهارچوب روشی خواهند بود. سپس پیشینه روایت را از دوران غارنشینی شرح می‌دهیم و به دوران کنونی هم گریزی می‌زنیم. در این فصل، رابطه روایت با ارتباط، تجربه، هویت و فرهنگ را بررسی می‌کنیم تا خواننده تصویری از نفوذ روایت در ساحت‌های مختلف به دست آورد.

فصل دوم درباره رابطه روایت و روش کیفی است. تعاریف بسیاری از پژوهش‌روایی وجود دارد و در این میان، بعضی تعاریف مهم‌تر و راه‌گشا ترند. ما پس از مروری بر این تعاریف، تبار پژوهش‌روایی در جامعه‌شناسی را دنبال می‌کنیم. بحث را از لحظه ورود روایت به حوزه جامعه‌شناسی در دهه ۱۹۳۰ شروع می‌کنیم و پس از توضیح برخی روایی‌ها به موضوع روایت در عصر دیجیتال می‌رسیم. هر چه جلوتر می‌آییم، پژوهش‌ها خصلتی بینارشته‌ای‌تر پیدا می‌کنند و از خلوص جامعه‌شناسی کم می‌شود. سپس روایات تحلیل‌روایی در سطح خرد و کلان می‌رویم و در نهایت، فصل را با معرفی انواع پژوهش‌روایی به پایان می‌رسانیم.

اگر بخواهید پژوهشی انجام دهید، ابتدا باید معانی پارادایمی خود را مشخص کنید. پژوهش‌روایی را می‌توان در پارادایم‌های اثبات‌گرایی، تفسیری برساختی، انتقادی، پسامدرن و پراگماتیستی انجام داد. در فصل سوم، با عنوان «روایت و پارادایم»، به جای صحبت از پارادایم‌های مربوط به روش‌های کمی، «پارادایم روایی» را معرفی می‌کنیم. «پارادایم روایی» در طول سه دهه گذشته آن قدر بال و پر نگرفته که بتواند در «جنگ پارادایم‌ها» شرکت کند. اما این پارادایم به پژوهشگر امکان می‌دهد تا فقط و فقط در ساحت روایت پیش برود و از پل زدن به سایر پارادایم‌ها بی‌نیاز شود. البته به نظر می‌رسد که چنین چیزی هنوز محقق نشده است.

در فصل چهارم به صورت عملی درگیر پژوهش‌روایی می‌شویم. قصدمان این است که دانشجویان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و پژوهشگران علاقه‌مند

به تحقیقات کیفی بتوانند با خواندن این فصل برای پژوهش خود - خواه مقاله خواه پایان‌نامه یا کتاب - عنوان مناسبی انتخاب کنند و به دانش لازم برای طراحی پژوهش روایی (شامل طرح سؤال، تعیین اهداف، بیان موضوع و مرور پیشینه تجربی و نظری موضوع) مجهز شوند. با این حال، به نظر می‌رسد برای انجام پژوهش روایی «فقط یک فرمول» وجود ندارد و پژوهشگران می‌توانند ایده‌هایی را از این فصل اقتباس و با خلاقیت‌های خود تلفیق کنند.

عناصر روایت، که در فصل اول به اختصار معرفی‌شان کردیم، در فصل پنجم با عنوان «چهارچوب روشی» دوباره به کار گرفته می‌شوند. این عناصر شامل قصه، گفتمان، شخصیت، سیر وقایع^۱، رخداد، زاوی^۲، مؤلف نهفته^۳، مکان، زمان، دیدگاه^۴ و درون‌مایه^۵ هستند. مفاهیم دیگری چون کانونی‌سازی و قاب‌بندی هم وجود دارند که از آن‌ها چشم‌پوشیده‌ایم. در این فصل از بسیاری از نظریه‌پردازان روایت نیز چشم‌پوشیده‌ایم و فقط پای ارسطو، پراپ، گریماس، برمون، بارت، چتمن و لبوف به وسط جاد: نظریه‌پردازانی که در پژوهش روایی امتحان‌شان را پس داده‌اند. با خواندن این فصل پژوهشگران می‌توانند چهارچوب روشی خود را تدوین کنند.

فصل ششم با جامعه مورد مطالعه، حجم نمونه و نمونه‌گیری در پژوهش روایی سروکار دارد. در این فصل، متن‌گفتاری، متن‌نوشتاری و متن‌دیداری را در حکم سه نوع جامعه مورد مطالعه دیده‌ایم و سپس سراغ موضوع حجم نمونه رفته‌ایم. سؤال همیشگی پژوهشگران این است که «چه حجمی برای نمونه کافی است؟». در پاسخ به این سؤال، اعداد و ارقامی از پژوهش‌های مختلف استخراج

۱. سیر وقایع (action) یعنی سلسله رخدادهای قصه. گرچه برخی از معادل «کنش» برای این اصطلاح استفاده کرده‌اند، «سیر وقایع» برگردان بهتری است چون بر توالی چند رخداد دلالت می‌کند. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. به ابوت، ۱۳۹۷.

2. Narrator
3. Implied author
4. Perspective
5. Theme

شده است. به نظر می‌رسد در سطح بین‌المللی حتی یک مورد هم مقبول است اما در ایران داوران ظاهراً «هر چه بیشتر، بهتر» را می‌پسندند. امید است این رویه تغییر کند. در ادامه این فصل، انواع شیوه‌های نمونه‌گیری در پژوهش‌روایی مرور می‌شوند. همه این شیوه‌ها در سایر روش‌های کیفی شناخته شده‌اند و پژوهش‌روایی در این زمینه نوآوری چندانی ندارد.

فصل هفتم دربارهٔ تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌هاست. در این فصل، سه تکنیک مشاهده، نوشتن و مصاحبهٔ روایی را مرور می‌کنیم. به طور کلی، مردم‌نگاران بهتر از کیفی‌کاران روایی دربارهٔ مشاهده حرف زده‌اند و بنابراین، کتاب‌های آن‌ها در این زمینه اولویت دارد. فصل هفتم کتاب شما را با چند نوع مصاحبهٔ روایی آشنا می‌کند و با توصیه‌هایی عملی دربارهٔ مصاحبهٔ روایی به پایان می‌رسد.

موضوع فصل هشتم بحث مشروعیت بخشی در پژوهش‌روایی است. بسیاری گمان می‌کنند مشروعیت بخشی فقط مرحله‌ای از کار است اما مشروعیت بخشی در واقع رویه‌ای است که از پیش از شروع تحقیق تا ابد ادامه خواهد داشت. پژوهشگران در قبال اعتبار اثر خود، افراد مطالعه شده و سایر گروه‌های اجتماعی مسئولیت دارند. در این فصل، پس از مروری بر معیارهای مختلفی که روایت پژوهان توصیه کرده‌اند، مدلی تلفیقی را پیشنهاد می‌کنیم. این مدل محصول ایده‌هایی است که نویسندگان طی سال‌ها مطالعه و به‌کارگیری روش‌های کیفی آموخته و این‌جا آن‌ها را یک کاسه و مونتاژ کرده است.

فصل‌های نهم و دهم با تکنیک‌های تحلیل روایی سروکار دارند. برای حفظ توازن اجزای کتاب، این تکنیک‌ها در دو فصل معرفی شده‌اند. یکی از دشوارترین مراحل پژوهش کیفی نحوهٔ تحلیل داده‌هاست. وقتی پژوهشگری انبوهی از اطلاعات را جمع کرده، تحلیل آن‌ها همیشه یک معضل است. در ایران، به نظر می‌رسد برای بیشتر دانشجویان و محققان استفاده از مدل‌ها و الگوهای از پیش موجود اولویت دارد؛ مدل‌هایی که می‌شود اطلاعات را از یک سو

تحویل‌شان داد و از سوی دیگر نتایج را تحویل گرفت. به همین دلیل است که بیش از صدها پژوهش با نظریه‌ زمینه‌ای سیستماتیک انجام شده‌اند. در پاسخ به این نیاز، ما مدل‌هایی برای تحلیل روایی معرفی کرده‌ایم اما این مدل‌ها را نباید همیشه موبه‌موا اجرا کرد و باید نگاهی انتقادی داشت. از این گذشته، باید برای توسعه‌ی مدل‌های موجود هم تلاش کرد.

فصل یازدهم شامل سه مبحث گزارش‌نویسی، تعمیم^۱ و نقد رویکرد روایی است. در این فصل درباره‌ی سلیس‌سازی روایت حرف می‌زنیم و انواع گزارش‌های قابل‌به‌کارگیری در پژوهش‌های روایی را مرور می‌کنیم. تعمیم و توسعه‌ی جذابی برای پژوهش‌روایی است و ما سه نوع تعمیم را شرح خواهیم داد که البته در سایر روش‌های کیفی نیز دیده می‌شوند. کتاب با نقدهای وارد بر پژوهش‌روایی به پایان می‌رسد. مطالعه‌ی این نقدها هم کاستی‌ها و کمبودهای نگاه روایی را نشان‌مان می‌دهد و هم ما را از مطلق‌اندیشی روش‌شناختی برحذر می‌دارد. به هر حال، روایت هم می‌تواند زندانی روش‌شناختی باشد؛ زندانی که همواره باید نقشه‌ی فرار از آن را در سر پروراند.

احسان آقابابایی
عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان
تابستان ۱۴۰۳